**دکتر نوبهار: نباید برای مبارزه با ظلم، حیات و کرامت مردم خودمان را نادیده بگیریم.**

شفقنا- استاد دانشگاه شهید بهشتی با تاکید بر اولویت‌بندی در مبارزه با ظلم تاکید کرد: نمی توانیم حیات و کرامت مردم خودمان یعنی یاریگران مظلومان را در راه کمک به مظلومان نادیده بگیریم. چرا که اولیای الهی هرگز مردم را در مسیر مبارزه با ستم، اجبار نکردند.

به گزارش شفقنا، دکتر رحیم نوبهار در ادامه سلسله ‌‌نشست‌های «عاشورا و امروز ما» که به همت خانه اندیشمندان علوم انسانی و انجمن اندیشه و قلم برگزار شد، با بیان این که «جان هموطنان ما با بلای کرونا در خطر است» تاکید کرد: بیایید به جان انسانها احترام بگذاریم و به نام حسین (ع) و ستم ستیزی او یا به بهانه برپایی مراسم عزا، چنان نگوییم و عمل نکنیم که گویی "جان" در قاموس مکتب امام حسین بی ارزش است‌.

او با بیان این که «در پاسداشت جان آدمیان، باید بحثهای دیگر را کنار بگذاریم» گفت: فقیهان در مورد «جان» بسیار احتیاط می کنند‌. چون مساله «جان»، مساله بسیار بزرگ و قید بزرگی است که حتی حرکت امام حسین را نیز مقید می کند. به همین دلیل ایشان در مقطعی درخواست می کند اجازه بدهند برگردد و مثل یک شهروند عادی در شبه جزیره زندگی کند، اما دشمنان امام چنین اجازه ای را ندادند.

نوبهار در سخنانش با عنوان «عقلانیت در مبارزه با ظلم» با اشاره به انواع مختلف ظلم شامل ظلم به خود و ظلم به دیگری افزود: کمک به ظلم و ظالمان نیز خود ظلم و حرام است. همان گونه که در ماجرای صفوان جمال که شترهایش را برای سفر حج به خلیفه عباسی اجاره داد، امام صادق از او گلایه کرد و فرمود همین که آرزو می کنی آنها سالم برگردند، پذیرفتنی نیست.

این استاد دانشگاه افزود: مسئله مذموم دیگر رکون به ظالمین است. علامه طباطبایی(ره) رکون را نوعی اعتماد همراه با تمایل برشمرده و فرموده است که رکون می‌تواند در امر دینی باشد، یعنی انسان دین را به مذاق و برای خوشامد ظالمان تفسیر کند یا از چیزهایی که آنها نمی‌پسندند، دم فروبندد. رکون به ظالمین همچنین می تواند در زندگی اجتماعی باشد. رکون به ظالم در این معنا عبارت است از: واگذاری امور عمومی جامعه به ظالمان. مردم وظیفه دارند به لحاظ شرعی و اخلاقی امورشان را به افراد شایسته وکالت بدهند، و نباید امورعمومی به دست ظالمان سپرده شود.

وی تصریح کرد: مسئله دیگر رغبت به ظالمین است ولو اینکه مستلزم مباشرت به ظلم و کمک به ظالم هم نباشد؛ این رغبت به شدت در ادبیات دینی ما نکوهش شده است. ضمن اینکه عقل هم ظلم و کمک به ظالم را زشت و ناپسند می‌شمارد. اگر بدانیم مظلومی تحت ظلم است و اقدام کنیم ولو اینکه توهینی به ما شود و خسارتی ببینیم، نافی مسئولیت ما نیست.

این کارشناس دینی، با بیان این که اصل لزوم کمک به مظلوم و مبارزه با ستم تبلور از احکام بدیهی عقل عملی است، افزود: همانطور که ادای دین و ادای امانت لازم است، لزوم کمک به مظلوم نیز بداهت عقلی دارد. اما باید دید حدود و ثغور کمک به مظلوم و مبارزه با ظالم چیست. اگر انسان در مسیر مبارزه با ظلم، دچار ضرر شود، آن بداهت عقلی دچار چالش می شود‌ وکم نیستند فقهایی که به ارزیابی خطر ناشی از مبارزه با مظلوم و مقایسه میان ظلم در حال انجام و میزان خسارتی که دریافت می کنیم، تاکید کرده اند.‌

**چهار اصل عقلی در مبارزه با ظلم**

نوبهار در ادامه به تشریح قیود عقلانی کمک به مظلوم و مبارزه با ظلم پرداخت و ۴ محور ثمربخشی و کور نبودن، مقدور بودن، رضایت اردوگاه ظلم‌ستیزان و اولویت بندی درست مبارزه با ستم را شرایط مبارزه عاقلانه با ستم دانست.
به گفته او دخالت فرد در ستیز با ستم، باید یا به رفع ظلم یا کاهش ستم بینجامد و البته نتیجه بخشی، بسته به مورد و اشخاص فرق دارد. مثلا اگر کسی را که زعیم و پیشوای مسلمانان است اکراه کنند که در حضور عامه مسلمین باده ننوشد، و گرنه او را می کشند، شهید اول می گوید برای پیشوای مسلمین جایز نیست برای رفع اکراه این کار را انجام دهد، چون باعث وهن اسلام است. اما شاید این کار برای یک مسلمان عادی جایز باشد.

استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی ادامه داد: در باب عاشورا، اگر هدف امام حسین(ع) ار ابتدا تا انتها تشکیل حکومت بود، می شد مانند ابن خلدون این تعریض را به امام داشت که او برآورد صحیحی از اوضاع نداشته است، اما امام هدفش این نبود. امام علیه السلام اهداف و مقاصد درجه بندی شده و بسته به شرایط و موقعیت داشت. در نتیجه دار بودن اقدام و حرکت امام حسین، همین بس که ما بعد از ۱۴۰۰ سال برای منش اجتماعی مان داریم از امام می گوییم تا یاد بگیریم.
وی شرط بعدی حرکت علیه ظالم را این دانست که در چارچوب قدرت فرد یا جامعه باشد و توضیح داد: تکالیف شرعی همگی مقید به قدرت است و اگر در مواجهه با ستم، جامعه ای را بسیج و جهت دهی می کنیم، باید قدرت جامعه را برآورد کنیم. امام حسین هم هرگز بدون ارزیابی قدرت خود، بدنبال رویارویی ۷۲ یارش با لشکر چندهزار نفری نبود.

آیا جامعه توان مبارزه با هر ستمی در هر جایی دارد؟

نوبهار با اذعان به این که «ما امروز، نسبت به مردم افغانستان و یمن و فلسطین و اقلیت مسلمان چین و مسلمانان مظلوم چچن نگرانیم» پرسید: اما باید دید آیا جامعه ایران توان آن را دارد که برای ظلم ستیزی که در مقدمه قانون اساسی هم آمده، وارد مبارزه با هر ستمی در هر جایی شود؟

این دانش آموخته علوم دینی، با تاکید بر توجه به اولویت بندی در کمک به مظلومان اظهار کرد: اگر به مظلومان کمک می کنیم برای دفاع از حیات و کرامتشان است. اما نمی توانیم حیات و کرامت مردم خودمان یعنی یاریگران مظلومان را در راه کمک به مظلومان از بین ببریم. کرامت مردم را نمی‌شود برای کمک به مظلومان ضایع کرد‌.

او همچنین به لزوم رضایت اردوگاه ظلم‌ستیزان در مبارزه با ستمگران اشاره کرد و گفت: اگر ما لشکری را بسیج می کنیم، آنان باید رضایت داشته باشند. مردم باید بعد از دعوت و تشویق، درباره ضرورت و اهمیت آن راضی شوند. اولیای الهی هرگز مردم را در مسیر مبارزه با ستم، با اجبار فیزیکی یا اجبار و الزام ساختاری، ناگزیر نکردند. مبارزه ای که عنصر داوطلبی و رضایت و شهادت طلبی ندارد، نتیجه بخش هم نخواهد بود.

نوبهار اولویت مبارزه با ستم به مثابه نهاد را مهمتر از مبارزه با شخص ستمگر خواند و گفت: درست است که یکی از مسائل امام حسین، نااهلی یزید بود، از این نظر که حضور فرد نااهل در یک مسند، نهاد را به بیراهه می برد؛ ولی مبارزه با سازوکارهای ستم آمیز و نهادهای ظالم از مبارزه با شخص ظالم مهمتر است.

**آیا امام‌حسین چارچوب های عقلانی را در مبارزه با ظلم رعایت کرد؟**

استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به سلسله اهداف نهضت حسینی، مقابله با بدعت بیعت تحمیلی و تبدیل نهاد وصایت به امپراتوری را مواردی خواند که امام نمی‌توانست از کنار آن بگذرد وحتی به قیمت جانش مجاز به تقیه و تایید این مفاسد نبود.

به گفته او با وجود اعتقاد ما به علم غیب امام، تمام حرکت ایشان در چارچوب عقل سلیم انسانی قابل فهم است، همچنان که امام علاوه بر پیشنهاد مذاکره، چندبار خطبه خواند تا وجدان مردم را خطاب قرار دهد و آنها را بیدار نماید؛ اما دوراهی یا بیعت یا قتل که یزید برای امام(ع) طراحی کرده بود، انحراف کوچکی نبود که امام بتواند آن را بپذیرد و تقیه کند.

وی اولویت سیدالشهدا را مبارزه با فساد سیاسی و خفه کردن نخبگان دانست و توضیح داد: مساله امام این است که چرا نظام سیاسی افراد سالمی چون حجر را صرفا بخاطر مخالفت با سب و لعن علی، می کشد. فرمود نظام شما نظام خونریز است‌. نفوس محترم را می کشد. نظام اموی جامعه را تبدیل کرده بود به جامعه دوقطبی اموی و علوی و خودی /بیگانه اموی و علوی. اگر به کسی ظن علوی بودن داشتند، او را می کشتند‌‌ و جامعه را به استعباد و بندگی و بردگی کشیده بودند.

نوبهار در پایان با اشاره به برخی آسیب ها در آیین های عاشورایی گفت: گاه انبوهی از جمعیت چند ساعت گرد هم می آیند اما در مراسم آنان متأسفانه از اهداف و کرامتی که امام(ع) به دنبال آن بود، خبری نیست. حال آنکه مجالس عزاداری باید جای معرفت‌آموزی در کنار نوحه و روضه باشد.

انتهای پیام

https://fa.shafaqna.com/news/1206259/